



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)
به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم، یگانه راه نجات بشریت

فاصله گذاری هوشمند،

قتل عام حامدانه و آگاهانه توده های مردم

چندی است که اپیدمی ویروس کووید ۱۹ در سراسر جهان شیوع یافته و طبق آخرین داده ها تا روز شنبه، ۳۰ فروردین، تعداد مبتلایان از ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر و شمار فوت شدگان از ۱۵۴ هزار نفر فراتر رفته است. بسیاری نسبت به آمار منتشره از سوی دولت ها، تردید دارند و آمار واقعی را بسیار بیش تر می دانند. با وجود این، طبق همین آمار رسمی الگوی شیوع، ابتلا، مرگ و میرها و بهبودیافتگان در کشورهای مختلف، تفاوت هایی با هم دارند. تدابیر مقابله با شیوع بیماری، شرایط جغرافیایی، شناسایی

در صفحه ۶

دزدی دولت از جیب کارگران در روز روشن

در صفحه ۱۰

بحران کرونا و ضرورت سازماندهی توده ای

مهمان ناخوانده را در درون مرزهای خود یافتند. ویروسی که مرز نمی شناخت و به سرعت جهان را تسخیر کرد.

از زمان شیوع ویروس کرونا در وهان چین، ۴ ماه گذشته است. در این مدت، آختاپوس ویروس کووید ۱۹، آنچنان جهان را در سیطره هجوم مرگبار خود گرفته است، که رهایی از کابوس آن، دست کم تا ماه ها برای دولت ها و مردم جهان متصور نیست.

سازمان ملل، صندوق بین المللی پول و سازمان بهداشت جهانی، حضور ملموس این مهمان

در صفحه ۵

اواخر دسامبر ۲۰۱۹ بود که شهر وهان چین، مرکز توجه مهمترین رسانه های خبری جهان شد. آنچه توجه تمامی خبرگزاری های معتبر جهانی را به سمت شهر وهان کشانید، نه جاذبه های توریستی و جلوه های سیر و سیاحتی این شهر، بلکه خبر شیوع ویروس کرونا در وهان بود. ویروسی مرگبار، که همانند میهمانی ناخوانده و سرزده وارد خانه های مردم شد و به سرعت مرگ را برایشان به ارمغان آورد. دولت های جهان، که در آن روزهای آغازین، تنها نظاره گر افزایش تعداد کشته شدگان در وهان چین بودند، تا به خود آمدند، حضور مرگبار این

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت استرداد و اعدام مصطفی سلیمی

در صفحه ۴

دلارهای گم شده و
نزاع جناح های طبقه حاکم
بر سر توزیع دلارهای نفتی

گزارش رئیس دیوان محاسبات جمهوری اسلامی، تحت عنوان گزارش تفریغ بودجه سال ۹۷ که در هفته گذشته به مجلس ارتجاع داده شد، دارای محورهای متعددی از تخلفات کابینه روحانی در اجرای قانون بودجه بود. اما آنچه که در این میان برجسته شد، نزاع جناح ها بر سر نحوه توزیع دلارهای نفتی، کم شدن ۴ / ۸ میلیارد دلار و چگونگی مصرف ارز ۴۲۰۰ تومانی بود.

ماجرای گم شدن دلارها اما بحث جدیدی در جمهوری اسلامی نیست. ماجرائی است که لااقل از دوران رفسنجانی همواره وجود داشته و ادامه یافته است. سالهاست که هرگاه جناح های هیئت حاکمه بر سر سهمبری از دلارهای نفتی اختلافاتشان بالا میگیرد، یا برای به زیر کشیدن یکدیگر تلاش می کنند، بحث دلارهای ناپدید شده را برملا می کنند و پس از آن که با یکدیگر تسویه حساب کردند، مسئله مختومه می شود، تا زمانی دیگر، که دو باره این اختلافات، پای دلارهای ناپدید شده جدید را به میان بکشند.

در دورانی که احمدی نژاد بر سر کار بود، مکرر بحث دلارهای ناپدید شده به میان آمد و بی سر و صدا خاتمه یافت. روحانی اما هنوز هم هرگاه بحث دوران احمدی نژاد پیش می آید، به دلارهای گم شده در دوران وی باز می گردد. حالا نوبت خود او شده است که این بار رقیب وی ماجرای دلارهای ناپدید شده را به عنوان نمونه ای از فسادهای کابینه برملا کند. البته فساد درون دستگاه دولتی در دوران روحانی بیش از آن است که محدود به بحث دلارها باشد. ده ها تن از مقامات کابینه و وابستگان آن ها از جمله برادر آقای روحانی توسط دستگاه قضائی وابسته به جناح رقیب محاکمه و محکوم شده اند. با این وجود، او هم همانند احمدی نژاد نه تنها در این مورد، بلکه در کل هرگونه فساد را که مرتبط با کابینه باشد، انکار می کند.

علی رغم این انکار، دعوی جدید بر سر دلارها از سال گذشته آغاز شد. گروه های رقیب روحانی مطرح کردند که هیئت دولت ۱۸ میلیارد دلار را در سال ۹۷ با ارز ۴۲۰۰ تومانی برباد داده است.

حسن روحانی در آن زمان گفت: مردم بدانند در این دولت یک ریال یا یک دلار گم نخواهد شد و

در صفحه ۲

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

دلارهای گم شده و نزاع جناح‌های طبقه حاکم بر سر توزیع دلارهای نفتی

آن در دوران دیگری بود که میلیاردها دلار گم می‌شد و هنوز هم پیدا نشده است. اکنون اما، رئیس دیوان محاسبات آمده است با گزارش تفریغ بودجه سال ۹۷ و مبلغ ۸/۴ میلیارد دلاری که با ارز ۴۲۰۰ تومان به اشخاص حقیقی و حقوقی داده شده اما به جای واردات کالاهای اساسی، ناپدید شده است.

رئیس دیوان محاسبات رژیم در گزارش خود به مجلس گفت: «تأمین ارز به نرخ دولتی ۴۲,۰۰۰ ریالی برای واردات کالاهای اساسی و غیر اساسی در سال ۱۳۹۷» بابت واردات کالاها و خدمات اساسی و غیر اساسی معادل سی و یک میلیارد و چهارصد و شانزده میلیون ۳۱,۴۱۶,۰۰۰,۰۰۰ دلار ارز به نرخ دولتی تأمین شده است.

مطابق بررسی‌های به عمل آمده در این دیوان و اطلاعات اخذ شده از گمرک جمهوری اسلامی ایران تا تاریخ ۱۳۹۸/۹/۱۲، مجموعاً بالغ بر چهار میلیارد و هشتصد و بیست و یک میلیون (۴,۸۲۱,۰۰۰,۰۰۰) دلار توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، علی‌رغم دریافت ارز ۴۲,۰۰۰ ریالی، وارداتی صورت نگرفته است.

وی به جزئیات آن پرداخت و سپس گفت: «بررسی ارقام تأمین ارز بانک مرکزی نشان از آن دارد؛ در شرایطی که بخش صنعت بیشترین نیاز ارزی برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات را داشته و کشور دست به گریبان تأمین ارز کالاهای اساسی به ویژه غذا و دارو بوده که بدون توجه به شرایط کشور و تحریم ظالمانه استکبار جهانی، در سال ۱۳۹۷، معادل دو میلیارد و هفتصد و شش میلیون دلار ارز به نرخ دولتی ۴۲,۰۰۰ ریالی به واردات کالاهای غیر اساسی از قبیل نخ بندان، عروسک، اسباب بازی، تشک، لوازم آشپزخانه، لوازم بدن سازی، لامپ، درب قوطی، درپوش، غذای سگ و گربه، چوب بستنی، انواع خاک، پاک کننده و پارچه اختصاص یافته که بعضاً دارای تولید مشابه داخلی بوده است.»

این گزارش اعتراض فوری حسن روحانی را در پی داشت که صد درصد گزارش را در مورد ارز غلط اعلام نمود و بعد هم گفت اگر قرار است حسابرسی شود باید از همه ارگان‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی حسابرسی شود و نه صرفاً دستگاه اجرائی. به عبارت دیگر اگر قرار است فساد و زدنی‌ها علنی شوند باید همه برملا شوند. وی گفت:

«دولت دو سمت دارد، یکی اداره اجرائیات است و یکی اداره کل کشور است. ببینید بودجه و سازمان اداری و استخدامی در اختیار رئیس جمهور است و مربوط به همه دستگاه‌ها است. اداری استخدامی هم مربوط به دستگاه اجرائی نیست، بودجه هم برای دستگاه اجرائی نیست برای همه کشور است. اینجا دیوان محاسبات برای نظارت و محاسبه اینکه این پول‌ها چگونه خرج شده، هر چه از بودجه استفاده می‌کند، دولت هم از بودجه استفاده می‌کند، قوه قضائیه و قوه مقننه هم از بودجه استفاده می‌کند، نهادهای نظامی و انقلابی و فرهنگی هم استفاده می‌کنند و لذا این برای یکجا نیست. نظارت باید، نظارت عام باشد، نه همه دستگاه نظارت را بگذاریم در یک دستگاه و بقیه دستگاه را فراموش کنیم. این کار نظارت را بکنید ولی بصورت عام این کار را انجام دهید؛ اینجا خودی و غیرخودی نداریم»

«چون یک بخشی را شنیدم درباره ارز، آن بخشی

که من شنیدم، آن بخش صد در صد غلط بود. آن بخشی که من شنیدم، کاملاً بی‌اطلاعی محض از مقررات و قوانین کشور است. این خیلی برای ما بد است که یک دستگاه نظارتی حرفی بزند و آن حرف منطبق نباشد.»

رئیس کل بانک مرکزی اما برخلاف روحانی به انکار صد در صدی متوسل نشد و گفت: «در سال ۹۷، ۳۰ میلیارد دلار ارز بانکی تأمین شده است که حدود ۲۰ میلیارد دلار آن در ۴ ماه اول بود و از زمانی که بنده مسئولیت را به عهده گرفتم سیاست‌های ارزی تغییر کرد و از آنجا به بعد است که بحث واردات کالاهای اساسی و غیر اساسی مطرح شد چون تا پیش از آن بانک مرکزی هر میزان تقاضای ارزی که ثبت سفارش برای واردات داشت را باید تأمین می‌کرد. او همچنین گفت: «اولاً این گزارش آن‌گونه که اعلام کرده‌اند ۱۲ آذر ۹۸ تهیه شده است و در همان فاصله ۸/۱ میلیارد دلار آن رفع تعهد شده است. پس الان این مابه‌التفاوت ۳ میلیارد دلار است. دلیل این ۳ میلیارد دلار هم گم شدن پول نیست بلکه واردکننده به دلیل شرایط تحریمی نتوانسته رفع تعهد کند، کالا ممکن است هنوز در راه باشد چون ما برای برخی کالاها مانند ماشین‌آلات صنعتی تا ۱۲ ماه فرصت می‌دهیم وارد کنند. سوم ممکن است تفاوت محاسبات در گمرک باشد. پس همه این عوامل وجود دارد.»

از این سه میلیارد دلار، ۵/۱ میلیارد دلار را که به نظر ما وارد کننده به تعهداتش عمل نکرده است، اسامی‌شان را به سازمان تعزیرات داده‌ایم. این تعهدی است که ایفا نشده است اما ممکن است ایفا شود.»

به رغم این که جدال و کشمکش جناح‌ها بر سر دلارهای ناپدید شده ادامه دارد، واقعیت قضیه این است که دلارها گم نمی‌شوند، بلکه به حیب سرمایه‌داران می‌روند، در اینجا دعوی همیشگی بر سر بازتوزیع درآمد ملی است.

دولت در هر سال از طریق بودجه دولتی بخشی از درآمد ملی را میان سرمایه‌داران بازتوزیع می‌کند. چون منابع بودجه عمدتاً متکی به درآمد حاصل از نفت است، بخشی از دلارهای نفتی صرف هزینه بوروکراسی و نیروهای مسلح و ضمانت آن‌ها می‌شود و بخش دیگر میان سرمایه‌داران توزیع می‌گردد. از آنجایی که جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی و فاسد متشکل از باندهای متعدد است، هر جناحی که در راس قدرت اجرایی قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند این باز توزیع به نفع سرمایه‌داران وابسته به این جناح باشد. خواه با شکلی به‌ظاهر قانونی مثل پروژه‌هایی که دولت انجام آنها را به آنها واگذار می‌کند و یا به صورت ارزی که در اختیار سرمایه‌داران برای واردات کالاها قرار می‌دهد، یا اشکال دیگر. منتها از آنجایی که جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی سر تا پا فاسد است این توزیع به هر شکلی که انجام بگیرد، همراه با زد و بند میان رده‌های بالای بوروکراسی، زدنی و فساد است. چه کسی حتی در درون وابستگان به این جناح می‌تواند امتیاز انجام پروژه‌های ظاهرآ عمرانی و یا ارز واردات را بگیرد؟ آن افراد یا باندهایی که با بوروکراسی زد و بند دارند، پارتی‌های کت و کلفتی در سلسله مراتب بوروکراسی دارند، رشوه‌های هنگفت می‌دهند و غیره. تا اینجای کار تمام آنچه که انجام می‌گیرد،

ظاهراً قانونی است و کسی هم از گم شدن ارزها صحبت نمی‌کند. ولو این که همان کالای اساسی که وارد شده است، به چند برابر هزینه واردات آن به فروش برسد، اشکالی در آن نیست. مقایسه‌ای که خبرگزاری مهر از هزینه تمام شده کالاهای اساسی وارداتی با دلار ۴۲۰۰ تومانی با قیمت‌های بازار به عمل آورده نشان می‌دهد که این کالاها به بهای ۳ تا ۴ برابری هزینه تمام شده به فروش می‌رسند. حتی اگر با همین پول عروسک، غذای سگ و گربه، چوب بستنی و غیره وارد شود و به چند برابر ارز ارزان قیمت به فروش برسد، باز هم مسئله‌های جدی نیست. همانگونه که اکنون در نزاع جناح‌ها بحثی از دو میلیارد و هفتصد میلیارد دلار در میان نیست و صرفاً از گم شدن ۸/۴ میلیارد دلار صحبت می‌شود. در اینجا نیازی نیست به ده‌ها شیوه‌ای که این دلارها بالا کشیده می‌شوند از زود بند با گمرک، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، احتکار، بیش اظهاری، صادرات همان کالای وارداتی و غیره صحبت کرد که معمولاً هم برملا نمی‌شوند. مشکل جانی پیش می‌آید که اصل پول هم بالا کشیده می‌شود و مثلاً نفتی که قرار بود فروخته شود و سهم وزارت نفت باز گردد، باز نمی‌گردد، مثل نمونه بابک زنجانی، یا ماجرای فروش مواد پتروشیمی‌ها در دوره احمدی‌نژاد، یا همین ارزی که با بهای ۴۲۰۰ تومان به سرمایه‌داران داده شده اما معادل اش کالا بر نمی‌گردد و از بیخ و بن ناپدید می‌شود و فرضاً در بازار آزاد به چند برابر به فروش می‌رسد. اینجاست که جناح رقیب توجیه به اصطلاح قانونی پیدا می‌کند که جناح حاکم را مورد حمله قرار دهد و ماجرای دلارهای ناپدید شده در صدر خبرها قرار می‌گیرد. اما نزاع بر سر دلارها به همین‌جا ختم نمی‌شود.

در جریان گزارش تفریغ، تعدادی از نمایندگان جناح رقیب روحانی از رئیس دیوان خواستند که درباره ۱۸ میلیارد دلاری که به صراف‌ها برای تنظیم بازار ارز تزریق شد نیز توضیحی ارائه کند. او هم پاسخ داد: «دیوان محاسبات می‌تواند به عملکرد دستگاه‌ها نظیر بانک مرکزی، وزارت صمت، گمرک ورود کند، اما برای مثال در مورد ارز ۴۲۰۰ تومانی نمی‌تواند به صراف‌های خصوصی ورود کند و این مسئولیت بر عهده قوه قضائیه است که جزئیات فرد به فرد و رقم به رقم به قوه قضائیه ارسال شده است و آنجا با جدیت دنبال می‌شود.»

بنابراین ماجرای ۱۸ میلیاردی که به صراف‌ها داده شده، فعلاً مانده است تا گویا دستگاه قضائی بررسی کند. اما یک بخش گزارش هم مربوط به چند و چون ارزهای مربوط به نفت و صندوق توسعه ملی بود که رئیس دیوان محاسبات رژیم آن را مخفی اعلام کرد، چرا که اطلاع از آن‌ها باید در دایره محدود نمایندگان سیاسی طبقه حاکم باقی بماند. این که در آنجا چه خبر است، خوششان باید به نحوی با یکدیگر کنار بیایند و آن را حل کنند. اما تاجانی که ماجرای ناپدید شدن دلارها در میان است، اصل دعوا بر سر توزیع دلارهای نفتی میان جناح‌ها و باندهای درون طبقه حاکم است. از این نمونه گم شدن دلارها مکرر رخ داده و خواهد داد. تا وقتی که طبقه سرمایه‌دار و رژیم فاسد و استبدادی جمهوری اسلامی بر ایران حاکم باشند، این ماجرا همواره تکرار خواهد شد.



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم، یگانه راه نجات بشریت

اول ماه مه روز جهانی کارگر از راه می‌رسد. اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان است. روزی است که کارگران جهان علیه استثمار و ستم و نابرابری، در اشکال متنوعی دست به اعتراض می‌زنند و اراده واحد طبقاتی خود برای نابودی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را به نمایش می‌گذارند. کارگران جهان امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که نظام سرمایه‌داری در مقیاس بین‌المللی با یکی از عمیق‌ترین، حادث‌ترین و کم‌سابقه‌ترین بحران‌های دوران حیات خود روبروست. هم‌زمان، شیوع بیماری کرونا که این بحران را به نقطه اوج خود رسانده، به یک معضل بزرگ اجتماعی در سرتاسر جهان تبدیل شده و زندگی صدها میلیون کارگر را تحت تأثیر خود قرار داده است. افزون بر این که کرونا روزانه هزاران نفر را به کام مرگ کشانده است، صدها هزار کارگر کار خود را از دست داده و بیکار شده‌اند. میلیون‌ها تن دیگر در معرض اخراج و بیکاری‌اند. واکنش دولت‌های سرمایه‌داری در قبال کرونا و بی‌توجهی آن‌ها به معیشت، سلامت و جان انسان کارگر و زحمتکش، یکبار دیگر ماهیت نظام به‌غایت ضد انسانی و نکبت‌بار سرمایه‌داری را در معرض دید جهانیان قرار داد. کرونا، بوی گند و کثافت نظم بهرمنشی انسان از انسان را در اقصا نقاط گیتی پراکند. کرونا به بارزترین شکل ممکن پوسیدگی و ورشکستگی و لجن سرمایه‌داری را از عمق به سطح آورد و عیان کرد. کرونا به جهانیان نشان داد که در برابر بشریت، هیچ راه دیگری جز نابودی نظم انسان‌سنیزی که بر محور استثمار انسان از انسان می‌چرخد، تا آخرین قطره نیروی کار جسمی و فکری کارگر را می‌مکد و دشمن طبیعت است و بی‌مهابا آن را تخریب می‌کند و جایگزینی آن بانظم سوسیالیستی وجود ندارد. یگانه نظمی که نجات‌بخش انسان و طبیعت‌گرا است.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

طبقه کارگر ایران که جزئی جدایی‌ناپذیر از طبقه کارگر جهانی است مانند تمام هم‌طبقه‌های خود در سرتاسر جهان برای برچیدن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم مبارزه می‌کند. کارگران ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که بحران اقتصادی سرمایه‌داری ایران بیش‌ازپیش ژرف‌تر و عمیق‌تر شده است. فقر و فلاکت و بیکاری ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. ادامه تحریم‌ها این بحران را تشدید نموده، کرونا آن را به مرحله اوج رسانده و تضادهای طبقاتی به نقطه سنیز رسیده است. در اثر بی‌مبالاتی و اهمال‌کاری طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت این طبقه، روزانه صدها کارگر و زحمتکش قربانی کرونا شده‌اند. ده‌ها هزار تن دیگر در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند. در فاصله کمتر از دو ماه، صدها هزار کارگر اخراج و بیکار شده و به‌صفت دهمیلیونی بیکاران پیوسته‌اند. میلیون‌ها کارگر دیگر در معرض بیکاری قرار دارند. طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، نه‌فقط تمام بار بحران اقتصادی را بردوش طبقه کارگر انداخته بلکه سعی کرده‌اند از بحران کرونا نیز به سود خویش بهره‌برداری کنند و تعرض بزرگی را علیه سطح معیشت طبقه کارگر سازمان داده‌اند. در شرایطی که نرخ تورم بالای ۵۰ درصد است و بانک مرکزی آن را ۴۱ درصد اعلام نموده، اما شورای عالی کار رژیم، با افزایش فقط ۲۱ درصد، حداقل دستمزد ۹۹ را ۱ میلیون و ۸۳۵ هزار تومان تعیین کرد که با افزودن تمام مزایای جانبی، مزد ماهانه کارگر از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کند. این درحالیست که هزینه حداقل سبد معیشت یک خانوار ۳ تا ۴ نفره کارگری بین ۹ تا ۱۰ میلیون تومان است. با این مصوبه، شکاف میان هزینه‌ها و دستمزدها عمیق‌تر و قدرت خرید طبقه کارگر باز هم کاهش بیشتری یافت. تعرض جدید طبقه حاکم به سطح معیشت کارگری یکبار دیگر ضرورت عبور از مکانیزم تعیین حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار و فراتر از آن ضرورت عبور از کل نظم موجود که هر سال فقر و گرسنگی بیشتری را بر طبقه کارگر تحمیل نموده است نشان داد.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

در جمهوری اسلامی ما شاهد عظیم‌ترین فجایعی هستیم که طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی ارتجاعی و به‌شدت تاریک‌اندیش پاسدار منافع این طبقه بیار آورده‌اند. سرمایه‌دار کارگر را در شرایطی که ابتلا به بیماری کرونا و خطر مرگ، جان وی را تهدید می‌کند به کار وامی‌دارد و دولت نیز امکانات و تسهیلات لازم استثمار کارگر را در اختیار وی قرار داده است. این در حالیست که به‌منظور پائین آوردن شیوع بیشتر بیماری در میان کارگران، تمام واحدهای تولیدی که توقف فعالیت آن‌ها صدمه‌ی فوری به شرایط زندگی و معیشت مردم نمی‌رساند و تولید در آن مبرمیت ندارد، به‌طور موقت باید تعطیل شوند. دستمزد کارگران در ایام تعطیل بی‌کموکاست پرداخت شود و تمام نیازهای بهداشتی برای حفظ جان و سلامت کارگران و خانواده آن‌ها به‌رایگان در اختیار آن‌ها قرار گیرد. در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و مؤسساتی که تعطیل نمی‌شوند، محیط کار باید به‌طور مرتب ضد عفونی شود و دستکش و ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده در اختیار کارگران قرار گیرد و از ابتلای کارگران به بیماری کرونا تا حد ممکن جلوگیری شود. حداقل اقداماتی که در برخی کشورهای سرمایه‌داری دیگر نیز به مرحله اجرا درآمده‌اند.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

ما همه به تجربه دریافته‌ایم که سرمایه‌داران و دولت آن‌ها هیچ‌گونه ارزشی برای جان و سلامت کارگران قائل نیستند و در همه حال، در فکر سود و افزایش سود و انباشت سرمایه‌اند. کارگران به تجربه دریافته‌اند که جمهوری اسلامی و تمام سران آن، تنها در فکر استثمار و غارت و پرکردن جیب‌های خویش‌اند. جز مبارزه راه دیگری پیش پای ما وجود ندارد. طبقه کارگر البته در برابر این بی‌تفاوتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها و در مقابل سیاستی که کارگران را عمادانه به کام مرگ می‌فرستد ساکت ننشسته و در اشکال متنوعی دست به اعتراض زده است. به‌رغم فشارها و محدودیت‌ها اما تعرضات پی‌درپی سرمایه علیه سطح معیشت کارگری و تشدید آن با دستاویز قرار دادن کرونا، اعتراضات متعددی را در میان کارگران در پی داشته است. افزون بر تشکلهای مستقل کارگری و تشکلهای فعالان کارگری و سایر تشکلهای مانند تشکلهای صنفی معلمان، بازنشستگان و نویسندگان، کارگران نیز در شهرها و رشته‌های مختلف دست به اعتراض زده‌اند. این اعتراضات در اشکال گوناگونی از جمله در شکل اعتصاب و تجمع بروز یافته است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. اعتصاب و تجمع کارگران هلدینگ خلیج‌فارس، اعتصابات و تجمعات کارگران عسلیویه، اعتراضات مکرر کارگران کنتور سازی، اعتراض در ایران خودرو، قطع‌سازی‌ها، برخی پتروشیمی‌های ماهشهر، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن استان گلستان و چند استان دیگر، کارگران حمل‌ونقل جاده‌ای، رانندگان اتوبوس‌های بین‌شهری، کارگران هفت‌تپه، مخابرات، کارگران شرکت نفت و گاز اروندان از زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت ایران، اعتصاب کارگران معدن مس سونگون، معدن گل گهر سیرجان، کارگران شهرداری‌ها، و کارگران کورمیز خانه‌های اصفهان. لازم به ذکر است که این نمونه‌ها فقط گزیده‌ای از اعتراضات کارگری در فروردین‌ماه سال جاری (۹۹) است، اعتراضاتی که بی‌شک ادامه داشته و تشدید خواهد شد.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز میبینگ و تظاهرات و اعتراض خیابانی است. برپایی اجتماعات و رژه خیابانی که شکل اصلی اعتراض طبقه کارگر و نمایش همبستگی طبقاتی کارگران در اول ماه مه بوده است، با مانع کرونا مواجه شده مانعی که خارج از اراده و خواست طبقه کارگر پدیدار و بر آن تحمیل شده است. باید



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت استرداد و اعدام مصطفی سلیمی

صبح روز ۲۳ فروردین ۹۹، زندانی سیاسی مصطفی سلیمی که توسط حکومت اقلیم کردستان به جمهوری اسلامی تحویل داده شده بود، اعدام شد. مصطفی سلیمی ۱۷ سال در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی محبوس بود. وی در جریان شورش زندانیان زندان سقز، موفق به فرار از زندان شده و خود را به اقلیم کردستان عراق می رساند و در آنجا درخواست پناهندگی می کند. اما مسئولین حکومت اقلیم ابتدائی ترین حقوق انسانی و مقابله نامه های بین المللی درباره حقوق پناهیجویان را زیر پا می گذارند و بدون شرم از توده های زحمتکش مردم، از جمله توده های تحت ستم کردستان، این زندانی سیاسی پناهنده را به ماموران رژیم ددمنش اسلامی ایران تحویل می دهند و آنها نیز برای زهر چشم گرفتن از زندانیانی که در هفته های اخیر در زندان ها دست به شورش زده بودند بلافاصله وی را اعدام می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی دست به این جنایت هولناک میزند که جامعه با بحران های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی لاینحلی دست به گریبان است؛ علاوه بر آن بحران کرونا روزانه جان صدها تن از مردم را می گیرد؛ و زندگی میلیون ها تن را تهدید می کند. جنایتکاران حاکم که هیچ راه حلی برای برون رفت جامعه از این بحران ها ندارند؛ بر این توهم اند که تنها با زهر چشم گرفتن از کارگران و زحمتکشان و تداوم سرکوب جلو فوران اعتراضات سیاسی اجتماعی را گرفته و چند صباحی دیگر به حاکمیت سرکوبگرشان ادامه دهند

کارگران، زحمتکشان، افکار عمومی آزادخواه!

همکاری صاحبان قدرت و ثروت حاکم بر اقلیم کردستان با حاکمین مستبد و جنایتکار حاکم بر ایران، بر کسی پوشیده نیست. تحویل پناهنده سیاسی که از زندان و اعدام گریخته و به اقلیم پناه آورده بود، رویه ای مضموم و نفی آشکار ابتدائی ترین حقوق انسانی یک پناهنده سیاسی و مغایر منش انساندوستانه زحمتکشان کردستان است و نباید بی جواب گذاشته شود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، این عمل غیر انسانی مسئولین اقلیم کردستان و همدستی آنان با رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرده و همه سازمان ها، احزاب و نهاد های آزادیخواه و انسان دوست و سازمان های مدافع حقوق پناهندهگان و توده های زحمتکش مردم را به اعتراض علیه این اقدام ضد انسانی فرامی خواند. حاکمین اقلیم کردستان باید در نزد افکار عمومی ایران، کردستان و سراسر جهان افشا و محکوم بشوند. آنها نیز همچون رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در اعدام زندانی سیاسی مصطفی سلیمی، محکوم، مسئول و پاسخگو هستند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۳ آوریل ۲۰۲۰ - ۲۵ فروردین ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم، یگانه راه نجات بشریت

احتمال مبتلا شدن کارگران به بیماری کرونا را از بین برد یا تا حد ممکن آن را کاهش داد. درگرامی داشت اول ماه مه و اعلام همبستگی با کارگران سراسر جهان، می توان و باید از اشکال مناسبی مبتنی بر شرایط و ابتکارات و خلاقیت کارگران استفاده نمود. یکی از اشکال مبارزه کارگری در روز اول ماه مه در کشورهایی که روز کارگر یک روز تعطیل رسمی نیست، اعتصاب و خواباندن چرخ های تولید بوده است. بنابراین می توان با اعتصاب و توقف ماشین های تولید، به استقبال اول ماه مه رفت. پوشیده نیست که در شرایط کنونی حفظ جان و سلامتی کارگران در اولویت قرار دارد. از این رو بخشی از فعالیت ها، از خیابان ها و میدان ها، به شبکه های مجازی منتقل می گردد. ابتکارات فعالان کمونیست و کارگران آگاه و پیشرو در این زمینه می تواند تا حدی کسر و کمبود اجتماعات کارگری و راهپیمایی خیابانی را جبران کند اگرچه هرگز نباید و نمی تواند جای آن را بگیرد.

به تریدید کارگران ایران اول ماه مه در اشکال و شیوه های متنوعی برای تحقق خواست های خود دست به اعتراض می زنند و ضمن گرامی داشت روز جهانی کارگر، همبستگی طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام می دارند. در بیانیه ها و قطعنامه های هر ساله کارگران ویژه اول ماه مه، خواست های سیاسی و اقتصادی متعددی مطرح می شود. امسال نیز در کنار خواست های ویژه ای که بحران کرونا بر لیست مطالبات کارگری افزوده است، مهم ترین خواست های اول ماه مه، خواست های سیاسی طبقه کارگر است. حق ایجاد تشکل مستقل، لغو تمام احکام صادره علیه فعالان کارگری و سندیکایی، منع تعقیب و پیگرد قضایی و امنیتی و پرونده سازی، آزادی کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی و سرانجام به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به عنوان یک روز تعطیل در تقویم رسمی کشور و همپای این ها، مبرم ترین خواست اقتصادی افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر، برجسته ترین خواست های کارگری در اول ماه مه هستند.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

اقتصاد سرمایه داری ایران با یک بحران عمیق حاد و چارمنابذیر دست به گریبان است. تمام تلاش های طبقه حاکم و رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار منافع طبقه سرمایه دار و دیگر مرتجعین است برای نجات نظم موجود از بحران و بن بست با شکست روبرو شده است. در حالی که میلیون ها تن از مردم در فقر و بیکاری و گرسنگی بسر می برند، زدی و اختلاس و چپاول ثروت های جامعه توسط مشتی انگل، روز بروز ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. فساد سر تا پای نظم حاکم را فرا گرفته است. این نظم تنها درخور سرنوینیست و باید برچیده شود. با فرو نشستن بحران کرونا، بی شک بحران سیاسی حادتری سر تا پای نظم موجود را در هم خواهد پیچید. شورش ها، خیزش ها، قیام ها، تکان های بزرگ اجتماعی و موجی از اعتصابات کارگری که حامیان رژیم از هم اکنون آن را هشدار می دهند و از آن بیم دارند، در انتظار نظم موجود است.

نظام سرمایه داری چه در مقیاس جهانی و چه در ایران، با بن بست و بحران مرگ باری روبروست و با هزار و یک زبان، پایان عمر خویش را اعلام نموده و این حقیقت از هر زمان دیگری بر همگان آشکار شده است که یگانه راه نجات بشریت سوسیالیسم است. زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد اول ماه مه

روز همبستگی طبقاتی کارگران سراسر جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت ۱۳۹۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

بحران کرونا و ضرورت سازماندهی توده ای

ناخوانده را تا پایان سال ۲۰۲۰ و اثرات ویرانگر آن بر اقتصاد جهانی را تا چندین سال بعد پیش بینی کرده اند. با این همه، حضور و شیوع این ویروس خطرناک در ایران، به دلیل حاکمیت ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی و نیز پیشبرد سیاست تبهکارانه این رژیم در مقابله با ویروس کرونا، سبب شده تا ویروس کووید ۱۹ در ایران حضوری مرگبارتر و طولانی تر از دیگر کشورهای جهان داشته باشد. این امر، دست کم در هشدارهای پیاپی سازمان نظام پزشکی ایران، مسئول ستاد مبارزه با کرونا در تهران، مرکز پژوهش های مجلس اسلامی، رئیس شورای شهر تهران و واکنش تعداد دیگری از اعضای ستاد ملی مدیریت کرونا، به خوبی مشهود است.

دفتر مطالعات مرکز پژوهش های مجلس اسلامی، با اشاره به نظر شماری از کارشناسان و اپیدمیولوژیست ها، "موج دوم شیوع بیماری" کرونا را در ایران "پیش بینی" کرده و از این رو، نسبت به تصمیم دولت جمهوری اسلامی در بازگشایی مراکز تولیدی و عدم قرنطینه کردن شهرهای کشور هشدار داده است. ۷۰ تن از پزشکان کشور نیز، طی نامه ای به وزیر بهداشت با بیان اینکه "ارائه آمارها و داده ها در جلسه غیر علنی مجلس دردی را دوا نخواهد کرد"، از او خواسته اند تا "آمار مربوط به مبتلایان، آزمایش ها، مرگ و میر و شیوه های جمع آوری این اطلاعات را به طور شفاف و با جزئیات" در اختیار عموم بگذارد. علاوه بر موارد فوق، حمید سوری، عضو ستاد ملی مدیریت کرونا نیز در گفتگو با خبرنگاری ایرنا، با تأکید بر اینکه "رونه اپیدمی کرونا در کشور همچنان صعودی است و در هیچ استانی به پیک و نمودار پلاتو یا سطح افقی نمودار اپیدمی کرونا نرسیده ایم"، اعلام کرد: "پنده به عنوان کارشناس اپیدمیولوژی، از بازگشایی مشاغل، بسیار نگران هستم و معتقدم این کار هزینه و بار هنگفتی را به جامعه تحمیل می کند... با این کار، شانس موفقیت در کنترل اپیدمی کرونا بسیار کم است". پیش از حمید سوری، یکی دیگر از معاونان این وزارتخانه نیز اعلام کرده بود، این ویروس حالا حالا ها در ایران ماندگار است و چه بسا "تا پایان سال هم" ما نتوانیم از شر آن خلاص شویم.

همه این اظهار نظرها و واکنش های موجود، بیانگر نگرانی شدید از وضعیت موجود و به درازا کشیدن زمان ماندگاری ویروس کرونا در ایران است. شرایط سخت و دشواری که دولت جمهوری اسلامی به عمد و آگاهانه در صدد است با پیشبرد سیاست ایمن سازی گله ای، وضعیت مرگبارتری را بر کارگران و توده زحمتکش ایران تحمیل کند. امری که دست کم طی هفته های گذشته، کاملاً روشن شده است که حاکمان

جمهوری اسلامی چه خواب ناخوشایندی برای مردم ایران دیده اند. اینکه هیئت حاکمه ایران، کمترین ارزشی برای جان مردم قائل نیست، اینکه آنان در هر فرصتی برای کشتار توده های مردم ایران سود برده اند، نیاز به هیچ شرح و توضیحی ندارد. جمهوری اسلامی طی ۴۱ سال گذشته به شکل های مختلف این امر را به اثبات رسانده است. چه در سال های اعدام و کشتارهای دست جمعی، چه در تحمیل فقر و فلاکت و بی خانمانی، چه در مواقع توفان و بارندگی که جان و زندگی صدها هزار نفر از مردم اسیر امواج سیلاب شد و چه زمانی که زلزله آمد و خانه های مردم بر سرشان آوار شد. در تمام سال های حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران و توده های زحمتکش ایران در هر حادثه ای با سرکوب عریان طبقه حاکم مواجه بوده اند. این امر، با کشتار مردم ایران در آبان ۹۸ به اوج رسید و اکنون با شیوع ویروس کرونا، جمهوری اسلامی در ابعاد بزرگتری توده های مردم ایران را به کام مرگ کشانده است.

وقتی جمهوری اسلامی برای جان مردم ارزشی قائل نیست، وقتی هیئت حاکمه ایران در مواجهه با ویروس کرونا، توده های مردم را بدون کمترین امکانات معیشتی، دارویی و درمانی به حال خود رها کرده است، این مردم گرفتار در چنگال ویروس کرونا چه باید بکنند؟ آیا باید دست روی دست بگذارند و روز از پی روز، شاهد مرگ و نابودی تعداد بیشتری از یاران و عزیزان خود باشند؟ در این میان، طبقه حاکم و دولت تبهکار جمهوری اسلامی، به روال همیشگی اش، آب پاکی را بر دست مردم ریخته است، پس می ماند اینکه خود مردم برای نجات خود و دیگران چه اقداماتی باید انجام دهند.

برای مردمی که بیش از ۴ دهه زیر ستم و سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی روزگار گذرانده اند، اگر هم اینک این امکان وجود داشت و توازن قوا این اجازه را به آنان می داد که همین الان جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، مسلماً لحظه ای درنگ نمی کردند. حال که ویروس کرونا بر جان و هستی شان خیمه زده و شرایط سرنگونی فوری جمهوری اسلامی دست کم در شرایط کنونی برایشان مقدور و ممکن نیست؛ ضرورت سازماندهی توده ای، یا سازماندهی کمیته های محلات و یا هر نام و عنوان دیگری که بر آن بگذاریم، کمترین اقدامی است که باید بر اهمیت شکل گیری آن تأکید کرد.

سازماندهی چنین کمیته هایی، پیش از این نیز بعضاً در جریان سیل فروردین ماه ۹۸ شکل گرفت. نمونه اش سازماندهی کمیته های همیاری درخوزستان و نیز توسط کارگران هیکو و گروه های دیگری از نیروهای مردمی بود که در اقدامی عاجل به یاری مردم سیل زده در مناطق مختلف کشور شتافتند. اکنون اما وضعیت به کلی

با آن روزهای زلزله و جاری شدن سیل متفاوت است. سه ماه است که ویروس کرونا در سرتاسر کشور جولان می دهد، در این مدت، صدها هزار نفر مبتلا و هزاران نفر دیگر جان خود را از دست داده اند. این همه اما پایان کار نیست. ویروس کرونا، کابوس مرگ و نیستی را به درون تک تک خانه های ما کشانده است. توده های مردم ایران در گستره ای وسیع و همگانی در وحشت مبتلا به ویروس کووید ۱۹ بسر می برند. از این نظر، ضرورت سازماندهی کمیته های محلات و شکل گیری آن در ابعادی بسیار فراتر از دوره های سیل و زلزله اهمیت پیدا کرده است.

اکنون تشکیل کمیته های محلات، نه صرفاً برای یاری رساندن به مردم مناطق دیگر، که یاری کمک و همدلی با دیگران را در همان محیط و شهر و دیاری که در آن زندگی می کنیم، برجسته کرده است. اینگونه کمیته ها، هم اکنون در مناطقی از کردستان شکل گرفته اند. پوشیده نیست، ضرورت سازماندهی کمیته های محلات و وظیفه ای که در شرایط فعلی بر دوش شان سنگینی می کند، بسی فراتر از کمک رسانی و همیاری به مردم محلات است. تهیه ماسک، مواد ضد عفونی، کمک های بهداشتی، درمانی و همدلی و همیاری با مردم گرفتار به ویروس کرونا، اگر چه بخش اصلی ضرورت سازماندهی کمیته های محلات در لحظه کنونی است، اما این کمیته ها وظایف دیگری هم دارند که اکنون نیاز پاسخ گویی به آن در گوشه های از متن جامعه ظاهر شده و با ماندگاری ویروس کرونا و بی توجهی دولت نسبت به معاش و جان و زندگی مردم، تبلور بیشتری خواهد یافت.

پوشیده نیست عوارض ویرانگر ویروس کرونا، صرفاً در مرگ و میر ناشی از ابتلا به آن خلاصه نشده و نخواهد شد. بیکاری گسترده، فقر و گرسنگی، نگرانی از عدم تأمین معاش روزانه و ده ها عوارض اجتماعی دیگر، از جمله موارد عدیده ای هستند که در هفته ها و ماه های آتی، توده های خشمگین و زخم خورده را به عصبانیت و اعتراض می کشانند. شکل گیری اینگونه اعتراضات توده ای در ماه های پسا کرونا - که فعلاً پایانی بر آن متصور نیست- بسیار گسترده تر خواهد بود.

هم اکنون در گوشه و کنار کشور، اعتراضات مردمی نسبت به عملکرد فاجعه بار جمهوری اسلامی در مواجهه با ویروس کرونا در حال شکل گیری است. حرکت اعتراضی دستفروشان و راننده های کامیون، نمونه هایی از شکل گیری حرکت مطالباتی توده ها در متن جامعه است. بر بستر چنین شرایطی است که تشکیل کمیته های محلات، ضرورت سازماندهی و نقش مطالباتی آن برای بسیج توده ای، بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. لذا، با توجه به نقش فراگیر و وظایف سنگینی که کمیته های محلات بر عهده خواهند داشت، پوشیده

در صفحه ۷

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

فاصله‌گذاری هوشمند"، قتل عام عامدانه و آگاهانه توده‌های مردم

زود هنگام بیماران از طریق آزمایش، ترکیب سنی جمعیت، زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، تعداد تخت‌های بیمارستانی و به ویژه تخت‌های مجهز، میزان اعتماد عمومی مردم به مسئولان از جمله متغیرهایی هستند که در ایجاد این تفاوت‌ها نقش ایفا می‌کنند.

در ایران، پس از انتشار دیر هنگام خبر شیوع بیماری، مقامات رژیم، "اماردهی" به شیوه جمهوری اسلامی را آغاز کردند. اگر مردم ایران، بنا به تجربه، هیچ‌یک از گفته‌ها، وعده‌ها، آمارها و ادعاهای رژیم را باور ندارند، اما تعداد اندک مبتلایان و شمار بالای فوت‌شدگان، از همان ابتدا، به نسبت تجربه اپیدمی در چین، تردیدهای بسیاری را در سطح جهان نسبت به این آمار برانگیخت، چرا که میان مبتلایان و مرگ‌ها تناسبی وجود نداشت. برخی از سازمان‌ها و کارشناسان جهانی بر این گمان بودند که عدم تناسب، ناشی از ناکافی بودن آزمایش‌های تشخیصی و شیوع غیرمترقبه بیماری است. اما مسئولان رژیم که با وجود اذعان به شیوع اپیدمی نمی‌خواستند اقدامات ضروری برای کاهش دامنه آن را اتخاذ کنند، تصمیم گرفتند "آمار" مبتلایان را با آمار مرگ و میر متناسب کنند. در نتیجه، از آن پس آمار رسمی در ایران، همواره یک نسبت حدوداً ۷ درصدی را حفظ کرد تا شک و شبهه‌ای برنیا نگیزد.

اما از آن جایی که معنای اپیدمی، شیوع یک بیماری فراگیر و فراتر از توان زیرساخت‌های درمانی و بهداشتی است، افزایش تعداد بیماران ناگزیر است. و اگر لاپوشانی تعداد بیماران حد و مرزی دارد و باید تناسبی بین تعداد بیماران و تعداد مرگ و میرها وجود داشته باشد، پس لازم شد تعداد بهبودیافتگان افزایش یابد. چنین شد که طبق آمار جمهوری اسلامی، تعداد بهبودیافتگان افزایش یافت و افزایش یافت تا آن که از میانگین جهانی نیز فراتر رفت. طبق آمار کنونی، تعداد بهبودیافتگان در ایران نزدیک به ۶۵ درصد می‌شود، در حالی که میانگین جهانی، در حدود ۲۰ درصد است. آن هم در هنگامی که از زمان تأیید شیوع بیماری تا ده روز پیش، تنها نزدیک به ۲۲۱ هزار آزمایش تشخیصی بیماری در ایران انجام شده است. برای مقایسه، کافی است اشاره شود در آلمان که از کشورهای موفق اروپایی در مقابله با اپیدمی به شمار می‌رود و میزان مرگ و میر در آن نزدیک به ۲ درصد است، نسبت بهبودیافتگان در حدود ۵۶ درصد می‌باشد.

یک نشریه آلمانی در فروردین ماه و زمانی که تعداد قربانیان کرونا ۲ هزار نفر اعلام شده بود، گزارش داد که تعداد قربانیان از مرز ۱۰ هزار نفر گذشته است. سازمان بهداشت جهانی، آمار

واقعی مبتلایان در ایران را ۵ برابر آمار رسمی ارزیابی می‌کند.

این تنها نهادها و کارشناسان بین‌المللی یا مخالفان داخلی جمهوری اسلامی نبودند که پس از شیوع اپیدمی به وخامت اوضاع در ایران اشاره می‌کردند. سعید نمکی، وزیر بهداشت رژیم در ۱۵ فروردین در واکنش به نامه قائم مقام وزارت صنعت، در نامه‌ای به حسن روحانی، آغاز کار فعالیت واحدهای تولیدی را "تصمیم آتش به اختیاری" نامید که "شعله‌هایش به سرعت دامن نظام سلامت و متعاقب آن اقتصادی کشور را خواهد گرفت".

با وجود این، معلوم نیست، جمهوری اسلامی، بر اساس کدام اقدامات پیشگیرانه، از جمله قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی، کدام آزمایش‌ها، حداکثری، کدام زیرساخت بهداشتی و درمانی، کدام امکانات درمانی و دارویی به معجزه‌ی تعداد نسبتاً اندک مبتلایان و قربانیان و شمار بالای بهبودیافتگان دست یافت.

اخباری که در ابتدای اپیدمی از بیمارستان‌های بیرون درز می‌کرد، حاکی از دامنه بالای ابتلا، مرگ و میر، کمبود امکانات درمانی و دارویی و بهداشتی و کمبود کادر درمانی و خستگی و فرسودگی پزشکان و پرستاران بر اثر ساعات طولانی و فشار کار بود. مقامات رژیم ابتدا کوشیدند با برکناری‌ها و تهدیدها، جلوی درز اخبار از بیمارستان‌ها را بگیرند. از ۲۵ فروردین، سانسور اخبار مربوط به بیماری شدت گرفت. رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی از اعلام آمار خودداری کردند. وزارت بهداشت اعلام آمار را در انحصار خود گرفت و از اعلام آمار استانی نیز خودداری کرد. این همه زمینه‌چینی برای آن بود که با اعلام موفقیت طرح مسخره "فاصله‌گذاری هوشمند" و دستکاری آماری و دورقمی کردن تعداد قربانیان و اعلام روند نزولی ابتلا، همان فاصله‌گذاری نصفه و نیمه پیشین لغو و دستور بازگشایی‌ها صادر شود. به گفته روزنامه‌نگاران مستقل ایران: "مدیران کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، واحدهای خدماتی، اصناف و سازمان‌ها نیز در سانسور با ستاد مقابله با کرونا شریک شده‌اند." طبق بررسی‌های آن‌ها: "کارفرمایان در مواردی، نسبت به درز این‌گونه اطلاعات به کارگران هشدار داده و آن‌ها را تهدید به اخراج کرده‌اند. در عین حال برخی فعالیت‌های مستقل روزنامه‌نگاران طی روزهای اخیر با تهدید و اخطار همراه بوده است."

با سرکوب، با سانسور و با انحصار انتشار آمار، زمینه فراهم گشت. روز ۲۳ فروردین، دستور بازگشایی "کسب و کارهای کم‌ریسک" در تمام استان‌ها، به جز تهران، صادر شد. در حالی که

در روز ۲۵ فروردین، سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در گفتگو با ایلنا گفت: "در استان اصفهان روزانه بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ نفر به آمار کل بیماران اضافه می‌شود. متأسفانه ما هنوز در شرایط کنترل بیماری نیستیم و روند به شکل افزایشی ثابت است."

روز ۲۶ فروردین، مرکز پژوهش‌های مجلس، در گزارش خود به دو راه متداول برای مهار این اپیدمی یعنی "قرنطینه کامل و تست حداکثری" اشاره کرده که بنا به این گزارش: "در ایران هیچ‌کدام از این دو سیاست به درستی کامل اجرا نشده است." این مرکز در گزارش خود تعداد جان‌باختگان را در حدود ۲ برابر و تعداد مبتلایان را بین ۸ تا ۱۰ برابر تخمین زده است.

با آن که وزارت بهداشت اعلام کرده بود در ۲۴ ساعت گذشته ۹۴ نفر در پی ابتلا به کرونا درگذشته‌اند، روز ۲۷ فروردین، ناهید خداکرمی، رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران و عضو شورای عالی سازمان نظام پزشکی گفت: "تنها روزانه بین ۷۰ تا ۱۰۰ نفر در پایتخت بر اثر ابتلا به کرونا می‌میرند."

زالی، فرمانده عملیات مقابله با کرونا در کلان شهر تهران، در روز ۳۰ فروردین می‌گوید: متأسفانه بیماری کرونا در تهران همچنان در مرحله اپیدمیک است و باید مسائل بهداشتی و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی از طرف مردم، جدی رعایت شود.

به گفته‌ی علی ماهر، معاون ستاد فرماندهی مقابله با کرونا در تهران، در روز ۳۰ فروردین: "اگر سختگیری‌ها ادامه پیدا نکند دچار طغیان بیماری خواهیم شد و امکانات ما اجازه رساندن خدمات بیش از این را به مردم نمی‌دهد."

اگر این چند نمونه از ارزیابی‌های برخی از مسئولان رژیم است که طبیعتاً شرایط اپیدمی در ایران را معتدل‌تر از ابعاد واقعی آن به تصویر می‌کشند، باید نتیجه گرفت که اوضاع در ایران بحرانی‌تر از آن است که بتوان تصور کرد.

سران رژیم حاضر نیستند برای حفظ جان مردم، امکانات لازم برای قرنطینه یا فاصله‌گذاری اجتماعی مؤثر را فراهم کنند. زیرا این اقدام مستلزم تأمین حداقل معیشت مردم است که رژیم به بهانه‌ی بی‌پولی حاضر نیست آن را تأمین کند. در برابر، در همین روزها طبق گزارش دیوان محاسبات از تفریق بودجه سال ۹۷، فاش شد که مبلغ ۸ / ۴ میلیارد دلار کم شده است. این مبلغ را مقایسه کنید با ۱ میلیارد دلاری که خامنه‌ای با برداشت آن از صندوق توسعه ملی برای مقابله با کرونا موافقت کرده است. وام یک میلیونی به مردم را مقایسه کنید با مجموع اضافه دریافتی ۲۴۱ نفر از مدیران دستگاه‌های اجرایی، از جمله در سازمان غذا و دارو، دانشگاه‌های علوم پزشکی و سازمان پزشکی قانونی، که در مجموع ۱۱ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان بوده است. وامی که در ابتدا برای آن کیسه گنبدی هم دوخته بود، اما ناچار شد از خیر بهره آن بگذرد. در صفحه ۷

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

بحران کرونا و ضرورت سازماندهی توده ای

نیست که نخستین ویژگی این کمیته ها، مستقل بودن آنان از نهادهای حکومتی و دولتی است. هر گونه نفوذ نیروهای حکومتی در سازماندهی کمیته های محلات، به معنای اخته شدن این کمیته ها در سازماندهی جنبش مطالباتی مردم است. از این رو، حضور فعالان اجتماعی، عناصر تاثیر گذار و مورد اعتماد توده های مردم در هر منطقه و کوی و برزن، یکی از فاکتورهای مثبت، موثر و کلیدی در امر سازماندهی توده ای در محلات است.

آنچه نیروهای سپاه، بسیج و دیگر نهادهای حکومتی را بر آن داشته تا این روزها به صورت نمایشی و تحت عنوان کمک به مردم در خیابان ها جولان دهند، همین زمینه های عینی وجود اعتراض و شورش و عصیان در متن جامعه است. پوشیده نیست اقدامات نمایشی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در سطح شهرها، چیزی جز نمایش قدرت و آمادگی آنان برای سرکوب توده های معترض نیست. حضوری نمایشی، که همزمان با هدف احیای آبروی برباد رفته آنان، در سطح شهرها سازماندهی شده است. به رغم اینکه نیروهای نظامی و سرکوبگر جمهوری اسلامی، در میان توده های مردم ایران هرگز دارای ارزش و اعتباری نبوده اند، اما این اعتبار نداشته آنان بعد از کشتار وسیع مردم در آبان ۹۸ و سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط پدافند موشکی سپا پاسداران، در میان لایه هایی از طرفداران جمهوری اسلامی نیز کم رنگتر شده است.

این بی اعتباری نیروهای سرکوبگر رژیم، اکنون با بی اعتباری مطلق طبقه حاکم، آنچنان در هم آمیخته شده که دیگر کمترین آبرویی برای رژیم ستمگر و فاسد جمهوری اسلامی در هیچ عرصه ای باقی نمانده است. بحران کرونا، آخرین سنگری است که هیئت حاکمه ایران، با تکیه بر وضعیت موجود در صدد است تا بانگ بلند اعتراضات مردمی را در درون خانه ها ننگه دارد. با سازماندهی توده ای و تشکیل کمیته های محلات، بکوشیم تا همدلی، همیاری و کمک به توده های مردم را وسعت بخشیده و سطح این همدلی و همیاری را به جنبش مطالباتی توده های گرفتار در چنبره مرگ و میر ویروس کرونا، ارتقا دهیم.



فاصله گذاری هوشمند"، قتل عام عامدانه و آگاهانه توده های مردم

حفظ جان آنان خرج کنند. این اپیدمی نشان داد که رژیم مردم را در صف مرگ و بر سر دوراهی مرگ از کرونا یا گرسنگی قرار داده است. رژیم برای گریز از پاسخگویی به وظایف اش، تحریمها را بهانه کرده است، اما حاضر نیست از میلیاردها دلاری که در صندوق های مختلف و نهادهای مذهبی و نظامی اش ذخیره کرده است، برای ادامه حیات مردم خرج کند. سران و وابستگان جمهوری اسلامی، حتا در این شرایط نیز از احتکار و سودجویی و چپاول امکانات اولیه بهداشتی و درمانی آبابی ندارند.

جمهوری اسلامی، در درازای عمرش، این اولین باری نیست که خشونت چنین عریان علیه مردم روا می دارد، و تا زمانی که برقرار است، آخرین بار هم نخواهد بود. این زنجیره ایست که از همان ابتدای قدرت گیری رژیم تا به امروز ادامه داشته است. از نخستین اعدام های بدون ضابطه تا لشکرکشی های اوباش رژیم در شهرها و خیابان ها در سالیان آغازین، از اعدام های دهه شصت تا کشتار تابستان ۶۷، از شکنجه و اعدامها در زندان ها تا سرکوب های خونین خیابانی در سال های ۸۸، دی ۹۶ و آبان ۹۸. امروزه رژیم، خشمگین از عصیان و شورش مردم علیه هستی اش، بی شرمانه به قتل عام مردم در ابعاد چند هزار نفری روی آورده است. قتل عام، زیرا سیاست "فاصله گذاری هوشمند" رژیم در برابر این اپیدمی را تنها قتل عام عامدانه و آگاهانه توده های مردم می توان نامید.

بادا که این آخرین خشونت سیستماتیک رژیم علیه مردم باشد. زیرا که با پایان این اپیدمی، کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان و جوانان به ستوه آمده از تنگناهای معیشتی، از تبعیض و بی حقوقی، از سرکوب و عدم آزادی با عزمی راسختر به پا خواهند خاست تا سهم خود از زندگی و شادی را پس گیرند و این مرگ آفرینان مرتجع استثمارگر ستمگر را به زباله دان تاریخ بسپارند.

روحانی مدعی است "می توان کار کرد و کرونا هم نگرفت". اما نمی گوید چگونه؟ تصور کنید در گام اول، برای رفتن به سر کسب و کار، بسیاری از مردم ناچارند با وسایل حمل و نقل عمومی رفت و آمد کنند. همان وسایلی که وزارت بهداشت و سازمان های بهداشتی "آلوده تر از فضاهای دیگر چون مدارس، دانشگاه ها و غیره می دانند." افزایش مرادوات اجتماعی بر اثر باز شدن کسب و کارها به جای خود.

ویروس کرونا، طبق الگوی جهانی از میان فقیرترین و محرومترین اقشار جامعه قریبانی می گیرد. واقعیتی که در ایران نیز باز تأیید می شود. ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت، روز شنبه ۲۳ فروردین، گفت، بر اساس شواهد جدید "مرگ و میر کرونا در فقرا بیشتر است و به این علت است که آنها دسترسی کمتری به وسائل بهداشتی و خدمات درمانی دارند." وی به بسیاری دیگر از کمبودهای این قشر اشاره نکرد؛ که حتا در صورت ادامه دستور قرنطینه مجبورند برای کسب لقمه ای نان از خانه بیرون بیایند؛ که خانه های آن ها در محله های پر ازدحام و چه بسا فاقد امکانات اولیه بهداشتی قرار دارد؛ که چند نفر در یک اتاق زندگی می کنند؛ که گاهی ماه ها از خوردن گوشت و میوه محروم اند؛ و بسیاری دیگر از محرومیت ها. در برابر این اکثریت محروم و تهیدست، اقلیت مرفهی است که در خانه های وسیع و کاخ ها و ویلاهای خود، همچنان تا پایان این اپیدمی خود را قرنطینه خواهد کرد؛ در صورت نیاز، با اتومبیل های شخصی رفت و آمد خواهد کرد؛ در صورت بیماری نیز در بهترین بیمارستان ها و تحت نظر پزشکان متخصص و با گران ترین داروها درمان خواهد شد.

حریرچی پیش بینی می کند: تبعات این تراکم جمعیت و ازدحام دو هفته دیگر نمایان می شود. مسلماً در آن زمان، باز، مسئولان رژیم انگشت اتهام را به سوی مردم نشانه خواهند رفت که تقصیر خودشان است، چون "فاصله گذاری هوشمند" را رعایت نکردند.

این اپیدمی یک بار دیگر نشان داد که رژیم کوچکترین ارزشی برای جان توده های کارگر و زحمتکش قائل نیست. همان توده هایی که سران تمامی ارگان های جمهوری اسلامی و آقازاده ها و وابستگان و سرمایه داران با حاصل دسترنجشان در رفاه و آسایش زندگی می کنند، اما زمانی که لازم می آید، حاضر نیستند، پشیزی از آن را برای



دزدی دولت از جیب کارگران در روز روشن

یافته و عرضه سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی از هفته دوم اردیبهشت آغاز شود. قرار است سهام ۳ صندوق بزرگ که شامل سهام بانک‌ها، بیمه‌ها، خودروسازان، پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های فولاد می‌شود با تخفیف‌های ۲۰ تا ۲۵ درصدی فروخته شوند!!

در این شکی نیست که عرضه سهام "شستا" و دیگر شرکت‌ها و صندوق‌هایی که در چنگال دولت قرار دارند، برای تامین درآمدیست که در بودجه سال‌جاری از فروش این شرکت‌ها در نظر گرفته شده است. بویژه آن‌که اقتصاد ایران با بحران رکود - توری فلیچ‌کننده‌ای در سال‌جاری روبروست و دولت می‌خواهد با تراج اموالی که صاحبان واقعی آن توده‌های مردم هستند، و فروش آن‌ها با تخفیف‌های بالا به سرمایه‌داران، امورات جاری خود را بگذرانند. اما در رابطه با فروش سهام "شستا" موضوع حتی از این هم فراتر است. به این دلیل که شستا اگرچه در تمام این سال‌ها در کنترل دولت بوده و دولت هرگونه که خواسته است در منابع آن دخل و تصرف داشته، اما به‌طور خاص و مشخص منابع "شستا" که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است، حاصل دسترنج کارگران از زمان تاسیس سازمان تامین اجتماعی تا به امروز است و بدین ترتیب جمهوری اسلامی به طور علنی و در روز روشن دست در جیب کارگران شاغل و بازنشسته کرده است. بویژه آن‌که فروش سهام "شستا" به همین ده درصد محدود نمانده و در آینده باید منتظر فروش بخش یا حتی تمام سهام "شستا" باشیم، همان‌طور که در سخنان حسن روحانی نیز این مساله کاملاً مشخص است.

حسن روحانی همان روز در جلسه هیات وزیران در رابطه با عرضه سهام "شستا" در بورس، با اشاره به سفر خود به مشهد و دیدار با خامنه‌ای برای تعیین وزیر کابینه دوازدهم گفت: "یکی از نکاتی که در آن جلسه ایشان تاکید کرد، گفتند تصدی‌گری دولت را کاری کن در این دولت دوازدهم، آن تصدی‌هایی که مورد نیاز نیست، دولت دیگر متصدی آن نباشد و اموال و سهام عرضه شود و در اختیار مردم قرار بگیرد و همان‌جا آقا فرمود من نسبت به نیروهای مسلح هم همین دستور را می‌دهم و بعد هم یکی دوبار دیگر که به این مناسبت خدمت ایشان این مساله مطرح شد، باز هم ایشان

تاکید کردند... حتی نسبت به مساله تامین اجتماعی و شستا که یک فردی نام‌های خدمت ایشان نوشته بود و گفته بود که این شستا مربوط به دولت نیست، ایشان گفت نه این هم مربوط به دولت است و باید ببرد و اینها را عرضه کند و این سهام در اختیار مردم قرار بگیرد و تامین اجتماعی هم دست از تصدی‌گری بردارد و اشکال ندارد در شرکت‌های دیگر سهام داشته باشد ولی تصدی‌گری و مدیریت را قدم به قدم واگذار کند."

وی ۶ اسفند سال ۹۷ نیز با بیان این‌که "وزارت کار باید شرکت‌های زیان‌ده شستا را مجانی واگذار کند"، در رد نظرات آن بخش از مقامات حکومتی در سازمان تامین اجتماعی که می‌گفتند شستا متعلق به کارگران و بازنشستگان است، گفت: "می‌گفتند شستا مربوط به بازنشستگان کشور است و دولت چه کار دارد. انگار اینها توسط بازنشستگان انتخاب شده‌اند، دولت شما را منصوب کرده. این شستا را جمع کنید." محمد شریعتمداری وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی نیز در همین رابطه تاکید کرد "وزارتخانه با عرضه سهام شستا در بورس درصدد حرکت از "بنگاه‌داری" به سمت "سهام‌داری" است!!"

اما "شستا" چگونه هلدینگی است؟! سرمایه آن چقدر است، سود آن چقدر و بالاخره داستان شرکت‌های زیان‌ده "شستا" چیست؟! "

به‌نوشته خبرگزاری دولتی "ایرنا"، و براساس گزارش ۱۲ ماهه "شستا"، این هلدینگ ۷ تریلیون (۷ هزار میلیارد تومان) سود خالص داشته است. ۱۷۸ شرکت و ۹ هلدینگ بزرگ شامل سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تامین، هلدینگ سرمایه‌گذاری دارویی تامین، شرکت سرمایه‌گذاری سپان تامین، شرکت سرمایه‌گذاری صدر تامین، شرکت سرمایه‌گذاری صبا تامین، شرکت سرمایه‌گذاری صنایع عمومی تامین، خدمات ارتباطی رایتل، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه انرژی تامین و کشتیرانی جمهوری اسلامی از زیر مجموعه‌های هلدینگ "شستا" هستند. محمد رضوانی فر مدیرعامل "شستا" به خبرگزاری ایرنا می‌گوید: "از ۱۸۸ شرکت شستا ۸۲ شرکت اخیراً وارد بورس شده‌اند... بیش از ۳۵ درصد از عرضه‌های اولیه سال گذشته در بازار سرمایه (بورس) مربوط به

شستا بوده و در سال جاری هم در حال انجام برنامه‌ریزی‌های لازم برای عرضه شرکت‌های دیگر همچون هلدینگ سپان، ذغال سنگ طیس و رایتل هستیم." او همچنین گفت: "در سال ۹۸ درمقایسه با سال ۹۷، ۷۰ درصد رشد فروش داشتیم و سود خالص حدود ۱۷۰ درصد رشد داشته است... سود شرکت اصلی در تاریخ مالی ۳۱ خرداد سال گذشته ۵ هزار میلیارد تومان بوده که برآورد می‌کنیم این سود خالص برای سال مالی امسال ۱۲ هزار میلیارد تومان باشد."

بنابراین شرکت‌ها و هلدینگ‌های وابسته به "شستا" به‌طور واقعی از سال گذشته به بورس عرضه شده‌اند و مانده بود سهام خود "شستا" که این کار نیز امسال آغاز شد. برای نمونه شرکت سرمایه‌گذاری صبا تامین که از جمله ۹ شرکت سرمایه‌گذاری و به عبارت دیگر "تامین سرمایه" در بورس بوده و یکی از هلدینگ‌های زیر مجموعه "شستا" می‌باشد، از ابتدای سال جاری تاکنون یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون سهم خود را در فرابورس با بهای ۱۲۰۰ تومان برای هر سهم عرضه کرده است، یعنی مبلغی برابر ۱۸۰۰ میلیارد تومان!!! اما این که بر سر این پول‌ها که تنها یک قلم آن ۱۸۰۰ میلیارد تومان است، چه آمده؟! کسی نمی‌داند. در عین‌حال این شرکت‌ها سود زیادی هم هر ساله بدست می‌آورند، سودی که آن هم می‌بایست صرف ارائه خدمات بیشتر به کارگران و بازنشستگان، از جمله افزایش مستمری بازنشستگان می‌شد. سودی که به گفته مدیرعامل آن در سال مالی جاری (خرداد ۹۸ تا خرداد ۹۹) به ۱۲ هزار میلیارد تومان بالغ می‌گردد!! این را هم فراموش نکنیم که این سودها به‌رغم بی‌لیاقتی مدیران مفت‌خور، دزد، فاسد و باندباز آن‌ها بدست آمده است. بیهوده نیست که همواره بر سر ریاست بر سازمان تامین اجتماعی در درون حاکمیت جنگ و جدل بوده است.

از یاد نبریم که در سال‌های گذشته و در کابینه‌های متعدد دولت جمهوری اسلامی، دولت به دارایی‌های صندوق‌ها برای تامین هزینه‌های خود دستبرد می‌زد و به‌جای بدهی خود، شرکت‌های از پا افتاده و ورشکسته را با قیمت بالا به آن‌ها به‌اصطلاح می‌فروخت که اتفاقاً همین مساله موجب ورشکستگی اغلب صندوق‌های بازنشستگی و ایجاد معضل برای معدود صندوق‌هایی که سرپا مانده‌اند مانند سازمان تامین اجتماعی گردید، اما به‌رغم این مساله براساس گزارش رسانه‌های حکومتی، دولت همچنان ۲۶۰ هزار میلیارد تومان به این سازمان بدهکار

در صفحه ۹

زنده باد سوسیالیسم

دزدی دولت از جیب کارگران در روز روشن

دستمزدهای کارگری در نتیجه سیاست‌های ضد کارگری طبقه حاکم آن‌چنان ناچیز شده‌اند که امروز حداقل دستمزد کارگران در حد یک پنجم خط فقر است.

بنابراین طبقه کارگر تنها یک راه دارد و آن گام گذاشتن در میدان مبارزه در قامت یک طبقه است. اگر طبقه کارگر با اتحاد و مبارزه و در ابعاد سراسری گام در مبارزه بگذارد، نه فقط طبقه حاکم قادر به تحمیل این شرایط به کارگران نخواهد بود، بلکه طبقه کارگر این قدرت را خواهد یافت تا طبقه حاکم را به زیر کشیده و حکومت شورایی خود را مستقر سازد، حکومتی علیه مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری که پایه‌های یک نظام سوسیالیستی و بشردوستانه را خواهد گذاشت.

اتحادیه‌ای، نداشتن حزب مختص طبقه کارگر از جمله ضعف‌های طبقه کارگر ایران است که به طبقه حاکم سرمایه‌دار این فرصت را داده است تا هرگونه که می‌خواهد عمل کند.

غارت اموال کارگران در سازمان تامین اجتماعی تنها یک نمونه است. قراردادهای موقت، پیمانی و مانند آن‌ها یک نمونه دیگر که به ۹۵ درصد کارگران ایران تحمیل شده است. سرکوب معهود تشکلهای مستقل کارگری و ممانعت از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری یک نمونه دیگر است.

است!!!

عبدعلی کریمی دبیر اجرایی تشکل دولتی "خانه کارگر" در استان قزوین به خبرنگار ایلنا می‌گوید: "مطمئن باشید عرضه سهام شستا در بورس با هدف بقای چندماهه دولت و تامین هزینه‌های جاری صورت گرفته تا امورات جاری خود را بگذرانند... از قرار معلوم، رئیس سازمان برنامه و بودجه به وزیر کار و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی گفته ده درصد سهام شستا را در بورس عرضه می‌کنیم و بخشی از پول آن را به شما می‌دهیم تا همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را اجرایی کنید! معنای واقعی این کار چیست؟ به جای اینکه بدهی ما را بپردازند، اموال ما را می‌فروشند و بخشی از پول آن را برای همسان‌سازی می‌دهند" او در ادامه می‌گوید: "هیچ نظارتی روی عرضه ده درصد سهام شستا در بورس نیست و مشخص نیست که این ده درصد چقدر است؟ کجا قرار است برود؟ به چه کسانی قرار است واگذار شود؟"

امروز طبقه کارگر با یک موضوع مهم روبروست و آن هم تاراج دسترنج‌شان در سازمان تامین اجتماعی است. اگرچه تا امروز نیز جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون به منابع متعلق به کارگران در این سازمان دستبرد می‌زده است، هم چون طرح بیمه سلامت که سالانه هزاران میلیارد تومان به این سازمان تحمیل می‌کند در حالی که هزینه‌های طرح بیمه سلامت تماماً برعهده دولت باید باشد، اما فروش اموال متعلق به کارگران و ریختن آن به خزانه دولت یک دزدی آشکار و وقیحانه‌تر از تمامی اقدامات گذشته دولت در سازمان تامین اجتماعی است.

دولتی که در تمام این سال‌ها دشمنی خود با طبقه کارگر را آشکارا در همه‌جا نشان داده است و تنها در همین روزها با دو مورد آن یعنی فروش اموال کارگران در سازمان تامین اجتماعی و تعیین حداقل دستمزد روبرو بودیم. نکته مهم دیگر این است که بدون شک فروش سهام شستا در این ده درصد باقی‌مانده و هدف فروش کل سهام و یا حداقل اکثریت بزرگ سهام است.

اما سوال مهم این است که چگونه است که دولت چنین وقیحانه و آشکار دست در جیب کارگران کرده و اموال آنها را به یغما می‌برد؟ علت این مساله را باید در ضعف طبقه کارگر دید. در این که طبقه کارگر به‌رغم مبارزات‌اش در اقصا نقاط کشور، هنوز در قامت یک طبقه به میدان مبارزه پا نگذاشته است. نداشتن تشکلهای سراسری

زنده باد آزادی

مردم مبارز و آزادیخواه ایران!

رژیم‌های ضد مردمی و استبدادی حاکم بر ایران که از آزادی و آگاهی توده‌های مردم در هراس بوده‌اند، همواره آزادی‌های سیاسی را از مردم ایران سلب کرده‌اند. جمهوری اسلامی که یکی از استبدادی‌ترین رژیم‌های تاریخ بشریت است، با وحشیانه‌ترین اختناق، ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم را لگدمال کرده است.

سازمان فدائیان(اقلیت) که خواهان حاکمیت توده‌های مردم ایران بر سرنوشت خود در یک نظام شورائی است، از برقراری آزادی‌های سیاسی در وسیع‌ترین و گسترده‌ترین شکل آن دفاع می‌کند.

سازمان فدائیان(اقلیت) خواهان آزادی کامل فکر و عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماع، تظاهرات و اعتصاب، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، شوراهای کلیه تشکلهای صنفی و دمکراتیک است.

سازمان فدائیان(اقلیت) خواهان برابری حقوق کلیه شهروندان کشور، مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت است.

سازمان فدائیان(اقلیت) خواهان انحلال تمام دستگاه‌های تفتیش و سانسور، شکنجه و جاسوسی و ممنوعیت بی قید و شرط چنین اقداماتی است. زندگی خصوصی افراد باید به طور کامل از مصونیت برخوردار باشد.

کار- نان - آزادی - حکومت شورائی

دزدی دولت از جیب کارگران در روز روشن

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 866 April 2020

سهام "شستا" بزرگترین عرضه سهام (از نظر قیمت) در تاریخ بورس بوده است. به گزارش روزنامه همشهری، ارزش کل سهام شستا ۸ / ۶۸ هزار میلیارد تومان معادل ۳ / ۴ میلیارد دلار قیمت‌گذاری شده است اما برآورد می‌شود ظرف روزهای آینده ارزش کل سهام شستا تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یابد!! وزیر اقتصاد کابینه روحانی هم‌زمان با عرضه سهام شستا در بورس اعلام کرد که در روزهای آینده روند عرضه سهام شرکت‌های دولتی ادامه

در صفحه ۸

چهارشنبه ۲۷ فروردین ده درصد از سهام هلدینگ "شستا" از سوی دولت در بورس عرضه گردید. بنابر گزارش‌های منتشره از سوی رسانه‌های دولتی در همین روز ده درصد از سهام هلدینگ "شستا" به صورت ۸ میلیارد سهم و هر سهم با بهای ۸۶۰ تومان به فروش رفت. ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون سهم (۸ درصد) برای عرضه عمومی و یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون سهم (۲ درصد) نیز برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده بود. براساس این گزارشات عرضه این میزان از



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی